

# مناجات و دعا

## در شرایع سابقه و امر اعظم بهائی

پروگرام مدارس تابستانه بهائی ایران

تستینظیم  
تبیبه ویم : دکتر محمد افغان

---

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۲۲-بیج

## مناجات و دعا در شرایع سابقه و امر اعظم

بهاشی  
مممممممممممممممم

### ۱ - تعریف دعا و مناجات

دعا در لغت بمعنی آواز دادن و کمک خواستن آمده است و دُعَاةٌ متضمن معنی رجای خیر و دُعَا عَلَیْهِ بمعنی طلب شر و نقت آمده است - مفهوم مناجات مکالمه سری و پنهانی است که دیگری در آن شریک نباشد ( خالصه بما فی فؤاده من الاسرار و العواطف ) . در عرفاد یسان این دو اصطلاح از صورت مطلق خارج شده و بکلمات و آثاری اطلاق میشود که متدینین در هنگام تقرب باستان حقیق متعال با شرایط و اداب مناسب ذکر مینمایند - اصطلاحاً مناجات بمعنوم توجه و توسل باستان الهی ولی دعا بمنظور تقاضا و طلب بکار رفته است - در السنه دیگر نیز این هماهنگی موجود است - در آثار امریه ایکه بزبان انگلیسی بقلم مبارک حضرت ولی امرالله ترجمه و تدوین شده است معادل این الفاظ کلمات Meditations' Prayers را معمول فرموده اند . در لوح ملک روس از سوره همیکل نیز لفظ نجوی بهمان معنی و مفهوم مناجات بکار رفته است.

با این همه در آثار اسلامی و مسیحی و کلیمی لفظ دعا همواره متضمن کلیه انواع نامبرده و بطور اعم متداول و معمول شده است و کمتر اصطلاح مناجات معمول بوده است مناجات نماز یا صلوة ( Obligatory Prayer ) چنانکه از آن مفهوم است فریضه روحانیه ایست که در مواقع معین ادا میشود

۲ - مفهوم دعا و مناجات

مفهوم عبادات در شرایع الهی تقرب و توسل باستان یزدانی و کسب فیوضات رحمانی است .

از حضرت علی بن ابیطالب علیه بهاء الله و سلامه در یکی از مناجاتهای حضرتش چنین آمده که " مَا عَبَدْتُكَ خَوْفًا مِنْ نَارِكَ وَلَا طَمَعًا فِي جَنَّتِكَ وَلَكِنْ وَجَدْتُكَ اهْتِدَاءً لِلْعِبَادَةِ فَعَبَدْتُكَ "

ایضا از حضرتش روایت شده " كُلُّ قَوْلٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَفْوٌ خ "

در حدیث از امام صادق علیه بهاء الله و سلامه که فرمود " الْعِبَادَةُ ثَلَاثَةٌ قَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَوْفًا فَتَلَّكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى طَلِبًا لِلثَّوَابِ فَتَلَّكَ عِبَادَةُ الْأَجْرَاءِ وَقَوْمٌ عَبَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حُبًّا فَتَلَّكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ " نقل از کافی

و از حضرت رب اعلی جل زکره در صحیفه عدلیه " بحق خداوندیکه قرآن را بر حضرت رسول صلی الله علیه

و آله نازل فرموده که يك مناجات با خداوند باقضاحت  
 ظاهریه و ترتیب واقعیه <sup>اعظم</sup> از کل علوم و اکرم از کل طاعات است"  
 و در باب ثالث همین اثر مبارك میفرماید "... و اکثر  
 خلق در مقام توحید عبادت مشرك و در مقام توحید فعل کافر  
 گشته اند من حیث لا یعقلون بدانکه وحده وحده لا شریک  
 له مستحق عبادت است لا غیر او و هر که عبادت نماید ذات او را  
 باو بدون توجه بشئیی بخلق او و بدون تمنا از برای جزاء  
 غیر او بتحقیق که عبادت کرده است خداوند را بشأنیکه در  
 حق امکان ممکن است و باید یقین نماید که ذات بذاته لن  
 یوصف و لن یعرف بوده و هست و عبادت احدی لایق ساحت  
 عز او نیست ... و هرگاه کسی اسمی یا وصفی باحسب  
 از آل الله سلام الله علیهم را در مقام عبادت توجه نماید  
 کافر گشته و عبادت نکرده خدا را و هرگاه کسی بطمع رضوان  
 یا خوف از میزان عبادت کند او را یا بخواند او را هر آینه  
 محجوب از عبادت خداوندی شده ..."

و در باب نوزدهم از واحد هفتم کتاب بیان میفرماید  
 "و در مقام عبادت توجه مکن الا بسوی ذات غیب ازل که  
 مستحق پرستش و عبادت است ولی از آنجائیکه توجه بان <sup>مقتدر</sup>  
 است باقرآر آنچه حروف واحد بر آن هستند از معرفت  
 و رضای او داخل شود در مدینه توحید بلا آنکه غیر الله را  
 بینی ... و عبادت کن خدا را بشأنی که اگر جزای عبادت

تورا در نار برد تفسیری در پرستش تو او را بهم نرسد  
 و اگر در جنت برد همچنین زیرا که این است شأن استحقاق  
 عبادت مر خدا را وحده و اگر از خوف عبادت کنی لایق بسا  
 الهی نبوده و نیست و حکم توحید نمیشود در حق تو و  
 همچنین اگر در جنت <sup>نظر</sup> کنی و بر جا بران عبادت کنی شریک  
 گردانیده، خلق خدا را با او . . . و آنچه سزاوار است  
 ذات او را عبادت او است با استحقاق بلا خوف از نار و رجا  
 در جنت .

حضرت نقطه مناجات را در آثار مبارکه خود باصطلاح  
 "لَبْنٌ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ" که از نعمای موعوده بهشتی است  
 تطبیق فرموده و بعضی شئون مربوطه بمناجات را نیز  
 "عسل مصفی" ذکر نموده اند .

از حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی در کتاب  
 مستطاب اقدس است "تالله الحق لو یفسل احد ارجل  
 العالم و یعبد الله علی الادغال و الشواجن و القنان و  
 الشناخیب و عند کل حجر و شجر و مدر و لایتضوع منه عرف  
 رضائی لن یقبل ابدا هذا ما حکم به مولی الانام ."

و از حضرت عبد البهاء جل ثنائه در مناجاتی است  
 "و تجل یا الهی علینا بالخطاب الرحمانی و السر الوجدانی  
 حتی تطربنا لذة المناجات المنزهة عن هممة الحروف  
 و الکلمات المقدسة عن دمة الالفاظ و الاصوات حتی

تستغرق الذواتُ في بحرٍ من حلاوة المناجات و تصبِح الحقا<sup>ئق</sup>  
متحققةً بهوية الفناء و الانعدام عند ظهور التجليات .  
عبادت از زمانهای بسیار پیشین در بین قبائل  
و ملل متنوعه متداول بوده است بنا بعقیده بعضی از محققین  
معبود بشر در ذهن افراد انسان همواره یکی از ایمن  
صورتها نقش بسته است :

۱ - معبود در اعلی مراتب موجودات واقع شده و -  
پرستندگان را با او هیچگونه ربط و نسبتی نیست ایمن  
مفهوم در ادیان الهیه وارد و نماینده رشد کامل فلسفه  
الهی است ،

۲ - معبود و عابد در یک رتبه و مقامند - پرستندگان  
برای ارضاء خاطر و جلب نظر معبود گاهی بقریانی و گز راندن  
هدایا متوسل میشوند .

۳ - معبود درین مقام عابد و در حقیقت نوعی وسیله  
سحر آمیز و جادویی است .

مفاهیم موجوده در مراتب دوم و سوم بیشتر جنبه خرافه  
و بت پرستی دارد و محتمل است که تطور مشتبهی از مرتبه  
اول باشد یا نخست درجات و شخصیتها یا وسائل و وسایط  
فیضی بالنسبه بذات قدیم الهی مسطور گردیده و سپس  
واسطه فیض بجای مصدر فیض و بطور اطلاق مورد پرستش  
قرار گرفته است و چون این وسایط جنبه مادی داشته اند

عبادت نیز بشکل ارضاء از نظر مادی جلوه گر شده است  
۳ - هدف مناجات و دعا

---

حضرت بهاء الله جل زکرة در لوح بشارات  
عظمی میفرمایند : " لعمرالله نفحاتش ( نماز ) عاشقین  
را جذب نماید و ساکنین را باهتزاز آرد و منصفین راحیات  
بخشد . "

و در قرآن میفرماید : " و اعبد ربك حتى ياتيك اليقين " (۱)  
حضرت ولی امرالله ارواحنا لوحدته الفداء میفرماید :  
" باید اوقات مخصوصه تذکر و تنبه و دعا و مناجات را فراموش  
نمود چه که بدون فضل و عنایت الهیه موفقیت و ترقی  
و پیشرفت در امور مشکل بلکه ممتنع و محال . . . "

شاید بطور کلی بتوان حکمت تأکید در تلاوت مناجات  
و دعا را چنین بیان کرد :

- ۱ - حفظ و صیانت انسان از خطا و گناه و وصول  
بیقین و ایمان حقیقی .
  - ۲ - ترقی انسان در اخلاق و عرفان .
  - ۳ - بهبود اجتماع و ترقی جامعه بشری بطی زمان .
  - ۴ - روش دعا و مناجات
- 

تھا  
عبادات فصلی از ادیان است که متضمن ادعیه و مناجاتھا  
یا آرزوها و راز و نیازهاست . اما این کلمات و مناجاتھا

---



هر يك در موردی خاص و بروش مخصوص باید تلاوت شود در ادیان اولیه عبادات با حرکات مخصوص توأم بوده که امروزه بصورت رقصها و آداب دسته جمعی مخصوص هنوز هم در بعضی از ادیان عتیقه مرسوم است در بسیاری از این رسوم مذهبی میزان مطالبی که شفاها ادا میشود نسبت بحرکات مخصوصه بسیار ناچیز و محدود است — در بعضی نیز سکوت و ادامه وضع که اصطلاحاً بنام مراقبه نامیده شده قسمتی از عبادات را تشکیل میدهد اداء قربانی و گذراندن هدایا نیز صورت دیگری از این عبادات است که در بعضی از ادیان معمول گردیده است و شاید رنگی از دیانتهاى ابتدائی باشد که همچنان در ادیان بعد نیز حفظ شده است دریدن لباس و سر تراشیدن و خراشیدن صورت نیز همراه دعا در موارد بروز مصیبت ها و سختیها مرسوم بوده است و در عهد عتیق مکرر از ان یاد شده است . سبب تحولی این روش عبادت در ادیان قابل مطالعه است در توراة قربانی را بحضور خداوند میگذرانیدند و این برای رضای او بود ولی در اسلام قربانی در راه او ولسی بخاطر مستمندان و محتاجان است . گرچه فقط نیت قربانی و اداء آن نیز شرعاً مورد قبول است .

در ادیان مختلفه متدرجا برای عبادات تقسیمات مشخص بوجود آمده است و در هر يك نیز ادعیه و ازکار مخصوص



## ۵ - آداب مناجات و دعا

مناجات و دعا حالت تذکر و تنبه و توجهی است که بانسان دست میدهد و کلمات و آیات متداوله معموله در ادعیه و مناجاتها در حقیقت بیان این حقیقت است که بنده ای بر از و نیاز با معبود و محبوب حقیقی پرداخته است .

در کلمات و آیات و مناجاتهای ماثوره از مظاهر الهیه غیر از نفس مناجات و دعا این نکته نیز تعلیم شده است که چگونه باید بدرگاه خداوند مناجات و توجه نمود . ما همواره بقلب و زبان دعا و مناجات میکنیم ولی تعلیم و تتبع در روش مناجات و کسب فیض از آن بوسیله آثار نازله است که ما را بروح واقعی مناجات دلالت میکند .

مقصود از آداب مناجات و دعا چنان حالاتی است که در آثار مبارکه توصیف شده است .

در صلوة کبیر نازل " یا اله الاسماء و فاطر السماء اسئلك بمطالع غیبك العلی الابهی بان تجعل صلاتی ناراً لتحرق حجباتی التي منعتنی عن مشاهدة جمالک و نوراً یدلنی السی بحر وصالک .

همچنین نازل قوله تعالی " ای رب فاجعل صلوتی کوثر الحیوان لیبقی به ذاتی بدوام سلطنتک و یذکرک فی کل

عالم من عوالمك .

و در همین صلوة مبارك نازل " . . . . ای رَبِّ أَحِبُّ أَنْ أَسْأَلَكَ  
فی هذا المقام كُلَّ ما عندك لا ثباتِ فقري و اعلاءِ عطاءِكَ  
و غنائك و اظهار عجزی و ابرازِ قدرتك و اقتدارك . "

و در مناجات افطار نازل " . . . فوعزتك لولا علمي بان  
رحمتك سبقت كل شئني ليندمم اركاني وينفطر كينونتني  
و تضمحل حقيقتي ولكن لما ا شاهد فضلك سبق كل شئني  
و رحمتك احاطت كل الوجود تطمئن نفسي و كينونتني . . . . "

و از حضرت عبدا لبها " جل شانه در مناجاتی است :

" . . . چون بخود نگریم خویش را از زره کمتر و از پشوه  
کهر و پست تریابیم و چون دریای بخشش و عطای سرا  
بینیم زرات را افتاب انور بلکه روشنتر مشاهده کنیم . "

و نیز از حضرتش در مناجاتی دیگر است قوله الاحلی " اگر  
عنایتت رسد قطره دریا شود زره افتاب گردد اگر از الطافت  
محروم ماند از هر چیز بی بهره و نصیب شود . "

و در قرآن مجید است " ادعوا ربكم تضرعا و خفیه انه لا یحب  
المعتدین " ( آیه ۵۳ )

" و اذکر ربك فی نفسك تضرعا و خفیه و دون الجهر من القول  
بالفد و الاصال و لا تكن من الغافلین ان الذین عند ربك  
لا یستکبرون عن عبادته و یسبحونه و له یسجدون "

( آیات ۲۰۵ و ۲۰۶ سورة الاعراف )

” و لیس البِرَّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ  
 الْبِرَّ مِنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ  
 وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ  
 وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى  
 الزَّكَاةَ وَ الْمَوْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسِ  
 وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ  
 الْمُتَّقُونَ ” ( البقره ۱۷۷ )

” قُلْ أَدْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَاتَ دَعَا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ  
 الْحُسْنَى وَ لَا تَجْهَرُوا بِصَلَوَاتِكُمْ وَ لَا تَخَافُوا بِهَا وَ ابْتَغُوا بَيْنَ ذَلِكَ  
 سَبِيلًا ” ( سورة الاسراء ۱۱۰ )

در امر مبارک خواندن انکار و ادعیه در کوجه و بازار نهی  
 شده است همچنين توجه و روح و ريحان در هنگام تلاوت  
 آثار تأکید شده است در اين باره در کتاب اقدس نازل :  
 ” لَوْ يَقْرَأُ أَحَدُ آيَةِ مِنَ الْآيَاتِ بِالرُّوحِ وَ الرِّيحَانِ خَيْرٌ لَهُ  
 مِنْ أَنْ يَتْلُو بِالْكَسَالَةِ صَحَفَ اللَّهِ الْمُهْمِينَ الْقِيَوْمَ اتْلُوا  
 آيَاتِ اللَّهِ عَلَى قَدْرِ لَا تَأْخُذْكُمْ الْكَسَالَةُ وَ الْإِحْزَانُ ”

و در کتاب بيان در باب نوزدهم از واجد هفتم نازل :  
 ” وَ أَحِبَّ صَلَاةَ صَلَوَاتِي أَسْتَكْهُمُ مِنْ رُوحِ وَ رِيحَانِ شَوْد  
 وَ تَطْوِيلِ مَحْبُوبِ تَبُودِهِ وَ نَيْسْتِ وَ هَرَجِهِ مَجْرَدِ وَ جَوْهَرِ تَر  
 بِأَشَدِّ عِنْدَ اللَّهِ مَحْبُوبَتَرِ بُوْدِهِ وَ هَسْتِ . ”

## ۶ - اوقات مناجات

ادعیه و مناجاتهای متداوله در ادیان الهیسه بعضی واجب و بعضی مستحب یا مندوب است . در ادیان عتیقه اداء فرائض عبادتی غالباً توسط پیشوایان دینی انجام میشود و حدود عمل و آزادی در روش مناجات محدود بوده است اما متدرجاً در ادیان این روش تحول و تغییر یافته است بحدیکه در امر مبارک هرکس در هنگام دعا و مناجات مختار است که هر مناجات و یا دعائی را در هر هنگامی از ساعات و ایام بخواهد تلاوت کند و بجز در موارد مخصوصه نمازهای واجب و از کار مخصوصه بقیه اوقات را آنچنانکه قلب و فوایدش آرزو میکند برآز و نیاز و دعا و مناجات باستان الهی پردازد - حتی این مسئله در صلوة کبیر نیز مذکور است که انسان هرگاه در خود حالت اقبال مشاهده نماید بتلاوت صلوة کبیر و اداء فریضه مخصوصه قیام نماید .

حضرت بهاء الله جل اسمہ الاعلی در لوحی بامضای خادم الله میفرماید : " و اینکه در باره ذکر مرقوم داشتید کسه بعضی از دوستان الهی قبل از طلوع بر میخیزند و بذکر حق جل جلاله مشغول میگرددند و حال آنکه این ذکر مال یوم است و تجدید یوم در ایام صیام من الطلوع الی الافول است این فقره هم در ساحت اقدس من لایقرب عن علمه من

شئی عرض شد انه ما نطق به الحق جل جلاله يوم فسی  
الحقیقه در بیان من الطلوع الی الافول است ولکن نفوسیکه  
قبل از طلوع حباً لله بر میخیزند و بذکر مشغول میشوند این  
لدی المرش محبوب است و مقبول دیگر اعاده لازم نسه

و همچنین در مشرق الانکار و دوستان الهی متمسکین بما  
نزل فی کتابی الاقدس در اسحار توجه بمشرق الانکار مینما  
و بذکر محبوب عالمیان مشغول میشوند ایشان هم اگر در  
طلوع و بعد از طلوع ساعتی بذکر مشغول شوند مقبول  
است حق در جمیع احوال راحت عباد را خواسته و ذکرش  
اگر بتمام روح و ریحان از ناگری ظاهر شود محبوب و مقبول  
بوده و خواهد بود طوبی لنفس تنفس حب مولا و طوبی  
لعبدا یقظته نفحات محبة الله . . . ."

در امر بهائی نماز جماعت جز در مورد نماز میت منسوخ شده  
و این خود نشانه دیگری است که افراد در هنگام تضرع و راز  
و نیاز مقید بآداب و اوقات خاص نباشند در شریعت توراة  
عبادات غالباً همراه با گذراندن هدایا و قربانی همراه بود و  
در هیکل انجام میگرفت و توسط حاخام و یا کاهن انجام  
میشد و قسمتهائی از توراة بود . در دیانت هندوئی و بودائی  
نیز از کاری وجود دارد که بنام "مانترام" نامیده میشود  
و از کتب مقدسه ودا و بودائی گرفته شده و بر همان و —  
پیشوایان دینی آنها را میخوانند — پیشوایان نامبرده

در سانسکریت بنام " سادو " معروفند و رهبانان بودائی بنام " بیکو " شهرت دارند - روش خواندن و آهنگ این مانترامها ( ادعیه ) مخصوص و معین است .

در دیانت زردشتی غالبا ادعیه بصورت دسته جمعی اجرا میشود از جمله دعای " اشم و هوو هشتم استی اشتا<sup>ن</sup> استی<sup>شتا</sup> ا

الخ " ادعیه دیگری نیز متداول است که بتناسب ایام مخصوصه یا تمنای وصول و حصول حوائج قرائت میشود . غالب این مطالب از قسمتهای مختلفه اوستای مقدس گرفته شده است .

در کلیسا نیز چنین است و کشیش بالنیابه از جانب افراد کلیسا دعاها را میخواند و سپس با اشاره دست یا پاشیدن قطرات آب آنان را در دعا سهیم میسازد .

در کلیسا غیر از این عبادات مخصوصه دیگری نیز وجود دارد که عبارت از تعمید ( Baptism ) تائید Confirmation

دستگذاری - عشاء ربانی و بعضی مراسم دیگر است غالبا این رسوم مورد تائید انجیل و بر اساس اوامر حضرت مسیح علیه بهاء الله و سلامه است مع ذلك پاره ای مانند " اعتراف بمعاصی " که در بین فرقه کاتولیک متداول است صورت محرفی از مطالب وارده در انجیل جلیل است .

عبادات متداوله مسیحی منحصر در پاره ای ادعیه و صوم است و ادعیه مخصوصه هنگام تولد ( تعمید و متعلقات آن )



و مرگ ( آخرین تدهین ) از آن جمله است .

در اسلام عبادات بصور مختلفی واجب شده است در قرآن آیه ۱۴ از سوره احزاب چنین نازل :

” یا ایها الذین امنوا اذکروا لله ذکراً کثیراً و سبحوه بکرة“  
 و اصیلاً ” قسمتی از این عبادات واجب و سنت است مثل  
 نماز یومیه که هفده رکعت و در پنج نوبت باید تلاوت شود  
 متن نماز از پیغمبر اکرم روایت شده است .

غیر از نماز سنتی نمازهای دیگری متداول است که بعضی  
 مندور و بعضی مستحب است نمازهای مستحب بنام نوافل  
 ( جمع نافله ) نامیده میشود و برای رضای خدا انجام  
 میشود نمازهای مندور و مستحب بسیار مفصل و متعدد و بطور  
 خلاصه میتوان آنها را چنین نام برد . نماز استسقاء — نافله  
 رمضان — نماز حاجت — نماز استخاره — نماز شکر — نماز علی  
 امیرالمؤمنین — نماز حضرت فاطمه — صلوة جعفر — صلوة  
 غدیر — صلوة مبعث — هدوة ذات الرقاع — نماز خوف  
 نماز اعیاد مختلفه — نماز آیات — نماز جمعه و بالاخره صلوة  
 میت و تلقین/ غالباً این نمازها بصورت جماعت اجرا میشود .

از متعلقات نماز یکی اذان است که متضمن شهادت باصول  
 دین و دعوت بنماز است همچنین وضو که متضمن امانت  
 برای ادای صلوة میباشد دیگری نیز تعقیبات و ادعیه  
 و از کار مخصوصه ایست که بعد از نمازها خوانده میشود در

هر يك از ايام وليالي محرمه منصوصه سال نيز ادعیه و —  
مناجاتهای مخصوص متداول است .

و قسمتی از این ادعیه در مجموعه ای بنام " صحیفه سجادیه "  
مندرج است و علماء ان را از فصاحت و بلاغت بنام " زیور  
آل محمد " نامیده اند . ادعیه و نمازهای اسلامی غالباً  
در مسجد انجام میشود زیرا اداء آن در مساجد بشوایب  
نزدیکتر است .

بالاخره روزه و حج نیز از عباداتی است که غیر از ادب عملی  
متضمن ادعیه و مناجاتهای مخصوصه ایست که در ساعات  
و شرایط مخصوص باید اداء شود .

در شرع بیان نیز صلوة واجب و نوزده رکعت مقرر شده  
است ولی در متون موجوده آثار حضرت نقطه آیات و مناجات

خاصی برای نماز در دست نیت .

روزه و حج نیز مقرر شده و برای هر يك از ايام و اوقات  
ادعیه و مناجات معینی نازل فرموده اند . از کار مخصوصه  
متعدد یومیه نیز نازل شده است .

روزانه ۹۵ مرتبه یکی از از کار مبارکه الله ابهی — الله اعظم  
الله اظهر — الله انور — الله اکبر — الله اقدم و امثالها  
واجب شده .

و جوب ۹۵ تکبیر در نماز بر نقطه حقیقت .

تحیت و تکبیر بر من یظهره الله بتعداد ۲۰۲ بار ( هر دو اسم

رب ) در روز و شب جمعه .

ذکر یا الله چهار هزار مرتبه در روز و شب جمعه .

ذکر " سبحانك اللهم صل على ذات حروف السبع ثم حروف الحق بالعموة والجلال "

ذکر مخصوص تجدید سال بتناسب اینکه تحویل روز یا شب اتفاق افتد .

ذکر آیه " الله اظهر " در هر شبانه روز ۷۰۰ مرتبه .

فرضیت کتابت یکی از اسماء الهی بعدد واحد در هر شهر  
بیانی - صلوة مولود - صلوة میت - دعای مخصوص برای  
تحقق مطالب " قل الله یکفی من کل شیئی ولا یکفی عن الله  
ربک من شیئی لا فی السموات ولا فی الارض ولا ما  
بینهما انه کان علاماً کافیا قدیراً " بعد اسم قدیر ( ۳۱۴  
مرتبه ) ( مرجع باب ششم واحد نهم )

محل عبادت در امر حضرت نقطه نیز بنام مسجد نامیده شده  
و اذان نیز معمول است .

در امر بهائی چنانکه میدانیم سه نوع صلوة وجود دارد :  
صلوة کبیر - صلوة وسطی و صلوة صغیر - ضرورت ذکر  
الله ابهی روزانه ۹۵ مرتبه - ادعیه و مناجاتهای صیام  
الواح حج - دعای صبحگاهی - دعای خواب - دعای  
خروج از بیت - دعای خروج از شهر - الواح شفا و طلب  
حاجات مانند لوح مبارک احمد - لوح احتراق با لاخره

نماز میت و کلمات مبارکه عالیات و مناجاتها و ادعیه مبارکه متعددہ اعم از مناجاتهای انفرادی و عمومی و مناجاتهای مخصوصه مبلغین و اجتماعات و اطفال و غیرها .

در امر مبارک معبد بنام مشرق الانکار نامیده شده است . ازان نیز معمول نیست . در جلسات و احتفالات بهائیی نیز هنگام شروع و ختم محفل مناجات تلاوت میشود . و این نیز اساس بدیع و متمایزی است .

### ۷ - آثار حاصله از مناجات و دعا

در قرآن مجید در سورة الانفال آیه ۲ نازل :

" اِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَّيْتُ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ "

و در سورة المائدة آیه ۸۶ نازل :

" وَإِذَا سَمِعُوا ( مؤمنین ) مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ "

و در سورة العنكبوت آیه ۴۴ نا " أَتَلَّ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ "

و در سورة الحجر آیه ۹۹ " وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ "

در حدیث ماثور از امام صادق از پیغمبر اکرم علیهم السلام بهاء الله و سلامه روایت است که حضرتش جل شانه در شب

مصراع از قدر و منزلت مؤمنین پرسید خطاب الهی رسید که  
فرمود :

” . . . و ما یَتَقَرَّبُ الیَّ عبدی بشئٍ أَحَبَّ مِمَّا افترضتُ علیه  
وإنه لیتَقَرَّبُ الیَّ بالنوافلِ حتّٰی احبه فاذا أَحَبَّته کنتُ  
سمعَه الذی یسمَعُ به و بصره الذی یبصر به و لسانه الذی  
ینطقُ به و یدُه الذی یبطشُ بها اذ غانی اجبته و ان —  
سالنی اعطیته ”

از جمله مطالبی که مکرراً مؤکداً در مناجاتهای نازل  
در این امر مبارک مذکور شده طلب تائید و رجای توفیق  
و آرزوی قبول و تقاضای شمول عنایت الهی است و شمول  
تائید یعنی هدایت و اعانت غیبی الهی و حصول این  
مرام و وصول باین آرزو متضمن دو مرحله است قابلیت  
و استعداد عباد و عنایت و لطف الهی — در آثار الهیه  
همه جا شمول و ریزش باران رحمت و عنایت الهی مذکور  
و عدم تحدید و انحصار آن مصرح است پس شمول تائید  
متضمن تحقق لیاقت و قابلیت عباد است و این استعداد  
و لیاقت مرهون آنست که افراد انسانی بحقیقت آثار و کلمات  
الهی پی برند و صفات و ملکات مذکوره در کلمات الهیه  
در وجود و حیاتشان متجلی گردد . مناجات صمیمانه  
آنست که چنین سائقه ای را در انسان برانگیزد و او را در  
عمق حقائق مناجات مستغرق گرداند — این سرشمول

تائید و مفهوم حقیقی آنست و اینجاست که لذت ظاجات  
هر مؤمنی را منقلب و دگرگون میسازد .

۸ - مشرق الانکار

معبد بهائی بنام مشرق الانکار نامیده شده است  
در کتاب اقدس نازل :

" قل مشرق الانکار انه کل بیت بنی لذرگری فی المـدـن  
والقری كذلك سمی لدى العرش ان انتم من العارفین "

در آثار انگیزی مبارك مشرق الانکار بنام Temple

Bahai House of Worship نامیده شده و ضمناً لفظ  
Temple در آثار توراتی و انجیلی مترادف همان معنی  
معبد یا کنیسه میباشد .

مشرق الانکار اکیلی جلیل مؤسسات جوامع بهائی است  
گرچه در مشرق الانکار بروی همه باز است با اینهمه آداب  
و رسوم خشک و محدودی که پرداخته افراد بشری است نباید  
در آن رخنه نماید و یا هر فرقه ای از مذاهب و ادیان  
سابقه در آنجا آداب و رسوم مخصوصی را معمول دارد .

محیط ملو از صفا و بساطت مشرق الانکار برای عبادت آنانی  
است که خداوند یگانه حقیقی را در این عصر بمظهریت کامله  
حضرت بهاء الله ستایش نمایند .

مشرق الانکار مرکز روحانیت و عبادت است با اینهمه

ملحقات و منضّمات این معبد الهی مشتمل بر مؤسّساتی است که برای تأمین سمادّات و حوائج مستمندان و محتاجان بیش بینی شده است .

در مشرق الا زکار کسی سمت پیشوائی ندارد و رهبر روحانی و مدیری برای اداء فرائض و عبادات تعیین نمیشود .

۹ - نمونه هایی از مناجات های معموله در ادیان الهیه

” اِلی متی یا ربّ تسانی کلّ النسیان - اِلی متی تحجب وجهک عنی - اِلی متی اجعلْ هموماً فی نفسی و حزناً فی قلبی کسل یوم اِلی متی یرتفع عدوی علیّ اُنظُر وَ اَسْتَجِبْ لی یا ربّ - الهی اُنر عینی لئلاّ انا مَ نوْم الموت لئلاّ یقول عدوی قد قویت علیه لئلاّ یرتفع مُضایقی بانسی ترزعزت اما انا فملی رحمتک توکلت بیتهجّ قلبی بخلاصک اغنی للربّ لانه احسن الیّ ( مزامیر - ۱۳ )

ایضاً: ” ما اهلنا مساکنک یا ربّ الجنود تشتاؤ بل تتوقّ نفسی الی دیار الربّ قلبی ولحمی یرتفعان بالاله الحیّ . . . طوبی للساکنین فی بیتک ابداً یسبحونک . . . طوبی لانا غرهم بک طرق بیتک فی قلوبهم عابریّن فی وادی البکاّ یصیرونه ینبوعاً . . . یا ربّ الجنود اِسمع صلاتی و اصغ فی الیه یعتوب . . . لانّ یوماً و احداً فی دیارک خیر من - الف اخترت الوقوف علی المعبه فی بیت الهی علی السکن

فی خیامِ الاشجار . . . یا ربِّ الجنودِ طوبیٰ للانسانِ المتکلی  
 عليك . ( مزامیر - ۸۴ )

” مضیٰ فرحُ قلبنا صارَ رقصنا نوحاً . سقطَ اکلیلُ رأسنا  
 ویلٌ لنا لا ننا قدأ خطانا . من اجلِ هذا حزنَ قلبنا  
 من اجلِ هذه اظلمتْ عیوننا . من اجلِ جبلِ صهیونِ الخرب  
 الثعالبُ ماشیةٌ فیهِ . انتِ یا رب الی الابدِ تجلسِ کرسیک  
 الی دورِ فدورٍ لمانا اتسنانا الی الابدِ و تترکنا طول الایام  
 اردنا یا رب الیک فنرتد جدر ایامنا کالقدیم هل کل  
 الرفضِ رفضتنا هل غضبتِ علینا جدا ( مراثی ارمیا - ۵ )  
 نماز مسیحی - ” ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس  
 باد ملکوت تو بیاید اراده تو چنانکه در آسمان است بر زمین  
 نیز کرده شود نان کفاف ما را امروز بما بده و قرضهای ما را  
 ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می بخشیم و ما را در  
 آزمایش میاور بلکه از شریر ما را رهائی ده زیرا ملکوت و قوت  
 و جلال تا ابد الابد از آن تست . آمین ( انجیل متی ۶-۹ )

بسم الله الرحمن الرحيم - الحمد لله رب العالمين الرحمن  
 الرحيم مالك يوم الدين اياك نعبد و اياك نستعين اهدنا  
 الصراط المستقيم صراط الذين انعمت عليهم غير المغضوب  
 عليهم ولا الضالين . ( سوره فاتحه الكتاب قران مجيد )  
 رَبَّنَا لَا تَأْخُذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا



اصراً كما حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ  
لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا إِنَّتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى  
الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ( سورة البقره ٢٨٦ )

” رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِزْهَادِهَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً  
إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ  
اللَّهَ لَا يُخَلِّفُ الْمِيعَادَ . ( سورة ال عمران آيات ٦ و ٧ )

” قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ  
مِمَّنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ  
فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ  
وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ . ( سورة ال عمران آيات ٢٦ و ٢٧ )

” رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرِبِّكُمْ  
فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مِنَ الْإِبْرَارِ  
رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رِسَالِكَ وَاثْمَارِهَا لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا  
تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ . ( سورة ال عمران آيه ١٩٠ )

” رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ  
لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا ( سورة الاسرا آيه ٨٢ )

مناجات منظومی نیز از حضرت علی امیرالمؤمنین موجود

است که بضمیمه قسمتهائی از آن نقل میشود :

لك الحمد يا ذا الجود والمجد والعلی

تباركت تعطی من تشاء و تمنع

الهي وخلق وحرزى و موئلى

اليك لدى الاعسار و اليسر افزع

الهي لئن جلت و جمت خطيئتى

فمفوك عن ذنبى اجل و اوسع

الهي لئن اعطيت نفسى سوء الهما

فها انا فى روض الندامة ارتع

الهي ترى حالى و فقرى و فاقتى

وانت مناجات الخيفة تسمع

الهي فلا تقطع رجائى ولا تُزغ

فوادى فلى فى سيب جودك اطمع

الهي اجبرنى من عذابك اننى

اسير ذليل خائف لك اخضع

الهي فانسنى بتلقين حجتى

اذا كان لى فى القبر مشوى و مضجع

الهي لئن عذبتنى الف حجة

فحبلى رجائى منك لا يتقطع

الهي اذ نفسى طعم عفوك يوم لا

بنون ولا مال هنالك ينفع

الهي لئن فرطت فى طلب التقى

فها انا اثر المفواقفو و اتبع

الهي اذا لم ترعنى كنت ضايما

و ان كنت ترعاني فليست اضيع

الهي لئن اخطات جهلا فظا لما

رجوتك حتى قيل ما هو يخرج

الهي ينجى ذكر طولك لو عتسى

و ذكر الخطا يا العين منى يدمع

الهي اقلنى عثرتى و امح حوتسى

فأ نسى مقبراً خائف متضرع

الهي انلى منك روحاً و رحمة

فليست سوى ايواب فضلك اقرع

الهي لئن افصيتنى او اهتنتسى

فمن ذا الذى ارجو و من ذا يشفع

الهي لئن خيبتنى او طردتنسى

فما حيلتى رب ام كيف اصنع

الهي حليف الحب بالليل ساهر

يُناجى ويدعو و المفعل يهجع

و كلهم يرجون نوالك را جيا

برحمتك المظنى و فى الخلد يطمع

مناجاتى از صحيفه سجاديّه : " اللهم يا من خفى محمدا

و اله بالكرامة و جباهم بالرسالة و خصصهم بالوسيلة و جعلهم

ورثه الانبياء و ختم بهم الاوصياء و الائمة و علمهم علم ما كان

و ما بقى و جعل افئدة من الناس تهوى اليهم صل على محمد

و آله الطاهرين . و ا فعل بنا ما انت امله في الدين — و  
 الدنيا والاخرة انك على كل شيى قدير .  
مناجات در آثار و كلمات حضرت نقطه اولى و امر بهائى

از حضرت باب مناجاتها و ادعيه متعدده موجود است .  
 نخستين امتياز مناجاتهاى موجوده در امر مبارك آنست كه  
 بدون هيچگونه تصحيف يا تغييرى متن اين آيات از مظهر  
 امر صادر شده است بغير از پاره اى آيات مناجاتى قرآن  
 كريم و ادعيه مأثوره از ائمه اطهار عليهم السلام بقيه مناجاتها  
 مانند كتب مقدسه عهدين عين جملات و كلمات مظهر ظهور  
 نيست بلكه مضمون آنست .

مناجاتهاى حضرت نقطه متعدد و اگر از كليۀ آثار  
 مبارك جمع آورى شود شايد بچند برابر قرآن بالغ گردد .  
 مضامين ان در درجات و مقامات عاليه توحيد و متضمن نوعى  
 خضوع و محويت و فناست كه همواره در هنگام تلاوت باعث  
 انقلاب درون ميگردد .

از حضرت نقطه مناجات بفراسى بسيار نادر و چون مستقلا  
 زيارت نشده محتمل آنست كه نازل نشده باشد .  
 روش مناجاتهاى نازله از قلم حضرت باب با سياق مناجاتهاى  
 اسلامى شباهت تام دارد و در غالب آنها ذكر نبى اكرم  
 و ائمه مكرم اسلام وارد شده است . زيرا از مناجاتهاى  
 حضرت نقطه جل اسمۀ استشهاد مينمائيم :

"بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت المعبود لا اله  
 الا انت وحدك لا شريك لك قصدتك بذكرك نفسى لولا انت  
 لم ادر ما انت انت الله جمال نفسك لم تزل ولا يدعى احد  
 معرفتك از ذاتيتك مقطعة الكل عن الطريق و كينونيتك  
 مدّ للّه بالسد الطريق وانك يا الهى لا تكلف نفسا الا ما  
 اتيتها و انى عبدك اقل من ذرّ على احصاء علمك أشهدك  
 بما تشهد لنفسك فى عزّ ازليتك قبل ان يكون شيئا مذكورا  
 و انك انت الله لا اله الا انت وحدك لا شريك لك و ان ما  
 سوئك مقطوع عن محبتك بصحة الابداع و ممنوع من  
 معرفتك عن وجود الاختراع فكيف يمكن من له حد الحدوث  
 معرفتك فسبحان يا الهى ما من نفس قد ارادك بالكينونية  
 الاّ و قد احتجبت بذكر انشاءك عن نفسه و اعرض عنه كل  
 الممكنات بحكم عدلك فتعاليت يا الهى عما يصف المشبهون  
 من اهل ابداعك و قد ادعى الظالمون فى اياتك علوا  
 كبيرا و ما انا ذا يا مولاي اعترف لديك فى مقامى هذا بما  
 تحبّ لنفسك من اهل لجة المحبة الذين قد جعلتهم  
 محال معرفتك و آيات ربوبيتك حيث ما دلوا فى شأن الا  
 بالعبودية لنفسك و السد الطريق عن محبتك كما انت  
 امله و مستحقه انك انت الله لا اله الا انت عزّ الموحديين  
 و عصمة اللاندين و بهاء المومنين و منتهى غاية الطالبين  
 و اله اعمالين ليس كمثلك شئى و انك انت المولى الكبير

واشهد لديك يا الهى لمحمد واله وشيعتهم كما قد  
 شئت فى عز الابداع فى شانهم انك على كل شئى قدير  
 وبكل شئى محيط ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم  
 ( رساله بين الحرمين )

" بسم الله الرحمن الرحيم يا الهى انّ لك الجلال  
 والبهاء ومنك قد تنزل كل العظمة والسناء لا اله الا انت  
 اشهدك بما تشهد لنفسك قبل كل شئى لا اله الا انت  
 اشهدك بما تشهد لنفسك بعد كل شئى لا اله الا انت  
 واشهد لمحمد كما قد شئت لنفسه وخلق الخلق لحكمه  
 لا اله الا انت واشهد لوصياء محمد حبيبك كلمة العدل  
 من نفسك لا اله الا انت واشهد لكل حق قد امن هم  
 وبسرهم ما قد احاط علمك كلمه العفو من نفسك لا اله الا انت  
 وحدك لا شريك لك اللهم ان اليوم يومك والمقام مقامك و  
 اقل زر من عبيدك سائل ببايك ولا تذب جنابك فاكتب  
 لى بجودك كل الخير ما تحب لنفسك واغفرلى ولا بوى و-  
 لاهل ولايتك ما انت اهلكه ومستحقه انك اذا اردت بشئى  
 فقبل ان تقول له كن لديك لموجود فسبحانك اللهم وبحمدك  
 اعترفت بحقك الا اله الا انت ولا اذكر لديك الا بما تصف  
 لى نفسك وانك على كل شئى شهيد وبما تشاء قدير  
 والحمد لله رب العالمين .

در آثار بهائى تنوع ادعيه و مناجات ها بحدیست كه آنها

را بایستی تحت مبحث خاص مستقلی مورد مطالعه قرار  
داد .

مناجاتهای بهائی بزبانهای عربی - فارسی و ترکی  
نازل شده است و بعینه کلیه آیات و کلمات وارده موجوده  
در این ادعیه کلماتی است که از قلم و لسان مطهر الهی  
جاری گشته بعضی از این مناجاتها ضمن الواح مبارکه  
و تعلیمی است که بمخاطب لوح بطور اخص داده شده  
غالباً با الفاظی مانند " قل " " بگو " یا " له ان یقول "  
شروع گشته است - با اینهمه مناجاتهای که بطور استقلال  
نیز نازل شده باشد نایاب نیست پاره ای از این مناجاتها  
همانطور که ذیل الواح مبارکه باسم و امضاء مبارک مزین  
گشته ارقام یا حروفی مشاهده میشود ذیل آثار مبارکه -  
حضرت بهاء الله گاهی ( ۱۵۲ ) یعنی ( ب ه ا = بهاء )  
دیده میشود و گاهی نیز مطلقاً علامتی وجود ندارد ذیل  
آثار حضرت عبدالبهاء " ع ع " که حروف اختصاری عبدالبهاء  
عباس یا عبده عباس است معمولاً زیارت میشود و بالاخره  
ذیل آثار مبارکه حضرت ولی امرالله امضاء مشهور هیکل  
اظهر " بنده آستانش شوقی " را باید توجه نمود .

عده ای از این مناجاتها جنبه عمومی دارد و چگون  
همواره در جلسات بهائی افتتاح و پایان جلسات با  
استمداد از مصدر غیب و تائید الهی است بعنوان مناجات

شروع و ختم تلاوت میشود .

مناجاتهای انفرادی - مناجاتهای مخصوصه اماء الرحمن  
تهای  
مناجاتهای طلب تائید در تبلیغ و هدایت نفوس - مناجات  
مخصوصه اطفال نیز در امر مبارک فراوان است .  
بدعیت و لطافت مضامین مبارکه نازل در این ادعیه  
و مناجاتها سبب تاثیر و نفوذ و کیفیت روحانی مخصوص  
و مشخصی است که بیان آن از قدرت کلمات و اصطلاحات  
خارج است . مَنْ لَمْ يَذُقْ لَمْ يَدْرِ

در مناجاتی از حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی نازل :

" قل الهی و محبوبی و محرکی و مجذبی الضادی فی قلبی  
و محبوب سری لك الحمد بما جعلتنی مقبلا الی وجهك  
و مشتعلا بذکرک و منادیا باسمک و ناطقا بثنائك ایـرب  
ایرب ان لم تظهر الغفلة من این نصیت اعلام رحمتك  
و رفعت رایات كرمك و آن لم یملن الخطاء کیف یعلم  
بانك الستار القفار العظیم الحكیم .

نفسی لغفلة غافلک الفداء بما مرت عن ورائها نسّمات  
رحمة اسمک الرحمن الرحیم ذاتی لذنب مذنبیک الفداء بما  
عرفت به اریاح فضلك و تضوعات مسك الطافك کینونتسی  
لعمیان عاصیک الفدا لان به اشرقت شمس مواهبك من  
افق عطائك و نزلت امطار جورک . ایرب انا السذی  
اقرت بكل المصیان و اعترفت بما لا اعترف به اهل الامکان



سرعت الى شاطئ بحر غفرانك و سكنت فى ظل خيام  
مكرمتك اسئلك يا مالك القدم و المهمين على العالم بان -  
تظهر منى ما تطير به الارواح فى هواء حيك و النفوس فى  
فضاء قدسك ثم قدر لى قوة بسلطانك لا قلب به الممكنات الى  
مطلع ظهورك و مشرق وحيك ايرب فاجعلنى فانيا فى  
رضائك و قائما على خدمتك لانى احب الحيات لا طوف  
حول سرادق امرك و خيام عظمتك ترانى يا الهى منقطعاً  
اليك و خاضعا لديك فافعل بى ما انت اهله و ينبغى لجلالك  
و يليق لحضرتك .

” اتحرم يا الهى من اقبل الى حرم ذاتك اتبعد يا محبوبى  
من استجار الى مدينه قريك اتخذل يا رجائى من تمسك  
بحبل عزك اتمنع يا مقصودى من ورد فى شريفة عطاءك  
اتفقر يا معبودى من تشبث بذيل غنائك اتصيت يا مسجودى  
من احبيت قلبه بنور عرفانك اتصم يا مشكورى من اسمعت هـ  
بدايع اياتك لا فو عزتك لا تحرم من اقبل اليك و لا تطرد من  
ورد عليك و لا ترد من نزل بغنائك اذ انك انت المتعالمس  
فوق كل شئى و المعطى لكل شئى و الحاكم على كل من فى  
السماوات و الارض و انك انت الممتنع المتيزالقدوس .  
( از حضرت بهاء الله جل ذكره الاعظم )

از حضرت عبد البهاء جل ثنائاه قوله الاعز :

” هو الله — خداوند ا تائیدی فرما که در کمال فقر و فنا  
 بخدمت آستان موفق گردیم ” . ع ع  
 ایضاً از حضرت عبدالبهاء جل ثنائہ بلسان فارسی سره :

### هوالبہی

ای یزدان مہربان من ایجان من ایجانان من تو اگہی  
 بر آشکار و پنهان من این یاران سرمست بادہ پیمانند  
 و پیمانہ بدست بزم کیهان اختران آسمان مہر تواند و چراغان  
 نور افشان سپہر تو و مرغان چمنستان بہشت تو ایمن  
 اختران را درخشان کن و این چراغان را رخشنده بنور  
 بی پایان این مرغان را گلبانگ پهلوی بیاموز و این پرندگان  
 را پرندگی در آسمان آزادگی . شب و روز بیاد روی تواند  
 و آشفته موی تو و شیفته خوی تو و مدہوش بوی تو و سرگشته  
 کوی تو سپاس ترا ستایش ترا نیایش ترا کہ آفرینش را بہر تو  
 بخشش آراستی و جایگاہ راستانرا در جہان بالا خواستی .

ع ع

الہی الہی تری قد اشدت الظلام الحالك علی کل الممالک  
 و احترقت الافاق من نائرة النفاق و اشتعلت نيران الجدل  
 و القتال فی مشارق الارض و مغاربہا فالدما مسفوکة و الا  
 مطروحة و الرؤس مذبوحہ علی التراب فی میدان الجدل —  
 رب رب ارحم هو<sup>۱</sup> لا<sup>۲</sup> الجہلا و انظر الیہم بعین العسفو  
 والغفران و اطف هذه النيران حتی تنقش هذه الفیوم

المتكاثفة في الافاق حتى تشرق شمس الحقيقة بانوار الوفاق  
 وينكشف هذا الظلام ويستضيئ كل الممالك بانوار السلام  
 رب انقذهم من غمرات بحر البغضاء ونجهم من هذه الظلما  
 الدهماء والاف بين قلوبهم ونور ابصارهم بنور الصلح  
 والسلام رب نجهم من غمرات الحرب والقتال وانقذهم  
 من ظلام الضلال واكشف عن بصائرهم الفساضة ونور قلوبهم  
 بنور الهدى وعاملهم بفضلك ورحمتك الكبرى ولا تعاملهم  
 بعدلك وغضبك الذي يرتعد منه فرائص الاقوياء رب قد  
 طال الحروب واشتدت الكروب وتبدل كل معمور بمطمور .  
 رب قد ضاقت الصدور وتفرغت النفوس فأرحم هؤلاء الفقراء  
 ولا تتركهم يفرط فيهم من يشاء بما يشاء رب ابعث في  
 بلادك نفوسا خاضعة خاشعة منورة الوجوه بانوار الهدى  
 منقطعة عن الدنيا ناطقة بالذكر والثناء ناشرة لنفحات  
 قدسك بين الورى رب اشدد ظهورهم وقوازورهم و اشرح  
 صدورهم بايات محبتك الكبرى رب انهم ضعفاء وانت  
 القوى القدير وانهم عجزاء وانت الممين الكريم رب قد  
 تموج بحر العصيان ولا تسكن هذه الزوابع الا برحمتك  
 الواسعة في كل الارحاء رب ان النفوس في هاوية الهوى  
 فلا ينقذها الا الطافك العظيم رب ازل ظلمات هذه  
 الشهوات ونور القلوب بسراج محبتك الذي سيضيئ منه كل  
 الارحاء ووفق الاحياء الذين تركوا الاوطان والاهل

و الولدان و سافروا الى البلدان حبا بجمالک و انتشارا  
لنجاتک و بئاً لتعاليمک و کن انيسهم فى وحدتهم و —  
معينهم فى غربتهم و کاشفا لکربتهم و سلوة فى مصيبتهم و  
راحة فى مشقتهم و رواء لفلتهم و شفاء لملتهم و برداء —  
للوعتهم انک انت الکریم ذو الفضل العظیم و انک انت الرحمن  
الرحيم . ع ع

مناجات زيل از حضرت ولى امرالله جل ثنائه است :

هو الله

ربنا وفقنا على معرفة امرک العظیم و التخلق بخلقک الکریم  
و السلوک فى منهجک القويم بفضلك القديم و جودک الصميم  
انک انت المليم انک انت الرحمن الرحيم .

از مناجاتهای فارسى حضرت ولى مقدس امرالله :

هو الله

ای قوی قدیر و حافظ امین اغنام تو هستیم محافظه نما  
مناریان امر توئیم تائید و توفیق بخش ناشرین نفعه طیبه  
مسکيه الهیه هستیم ما را از مادونت فارغ کن و پاک و مقدس  
نما حامل پیام نجاتیم باعمال و اخلاقی ملکوتی در انجمن  
عالم مبعوث فرما منتظر ظهور بشارات توئیم و دل بوعده های  
محکمت بسته قوه ات را نمایان نما و بتحقیق آمال ایمن  
قلوب محترقه را شاد و مستبشر کن این فئه مظلومه را از بدو  
ظهور در کھف منیع و ملاذ رفیعت محافظه فرمودی و در تحت

سلاسل و اغلال آئین مبینت را اعلان فرمودی و در آتش  
 بلا رخ حبیبانت را بر افروختی و بدما<sup>۱</sup> شهیدانت شجره<sup>۲</sup>  
 امرت را سقاییت کردی هیگل زیبای مقدس امرت را از ظلم  
 و جفای دول و ملوک عالم و لمن و طعن اعدا<sup>۳</sup> و دسائس  
 ناقضان اهریمنان سست عنصر حمایت و وقایت فرمودی و بانواع  
 محن و بلایا و عسرت و غربت و نفی و زندان رافمین لوایت  
 را ممتحن و مخصّص فرمودی حال وقت عزت و نصرت است  
 ابواب آسایش و جلال را بر وجه آن ستمدیدگان مفتوح کن  
 و عظمت و سطوت قدیمه ات را نمایان نما بهائیان مظلوم  
 را قوت عنایت کن و مفتخر و مشتهر نما عالم ملک را در ظل  
 ظلیل شریعت مقدسه ات در آور آنچه را به ایرانیان که  
 یاران عزیز تواند وعده فرمودی ظاهر کن و وعود الهیه که در  
 کتاب اقدس مسطور اکمال و اتمام فرما تویی مقلب قلوب و  
 کاشف کروب تویی سمیع و مجیب و تویی قادر و توانا .  
 بنده آستانش شوقی

ضمیمه  
 ~~~~~

علما<sup>۴</sup> و نویسندگان و شعرای دوره اسلام مناجاتهای نفسز  
 و زیبائی از خود بیادگار گذاشته اند که منشاء همه آنها  
 کلمات و مناجاتهای نازل در آثار مبارکه است سمدگفته :  
 خدا یا بعزت که خوارم مکن بذل گنه شرمسارم مکن

مسلط مکن چون خودی بر سرم

زدست توبه گر عقوبت برم

دیگری گفته :

تمنا کنانم مبر پیش کس

تمنا ز تو میتوان کرد و بس

این مناجات از شیخ عارف عطار نیشابوری است :

الهی نفس سرکش را زبون کن

فضولگی از دماغ ما برون کن

دل ما را بخود مشغول گردان

تعصب جوی را مزلزل گردان

ابتدای بسیاری از آثار منظوم و منثور فارسی و عربی اسلامی

بمناجاتی افتتاح میابد .

نظامی در لیلی و مجنون چنین میگوید :

ای یاد تو مونس روانها

جز نام تو نیست بر زبانها

ای نام تو بهترین سر آغاز

بی نام تو نامه کی کنم باز

ای هست نه بر طریق چو بس

دانای درونی و بیرونی

ای محرم عالم تحیر

عالم ز تو هم تهنی و هم پر

ای مقصد همت بلندان  
مقصود دل نیازمندان  
توفیق تو گرنه ره نمایم  
این عقده بعقل کی گشاید  
ای عقل مرا کفایت از تو  
جستن زمن و هدایت از تو  
من بیگس و ره زنان نهانی  
هان ای کس بیکسان تودانی  
پیش تو نه دین نه طاعت ارم  
افلاس تهی بضاعت ارم  
از ظلمت من رهائی مده  
بانور خود آشنائیم ده  
از دیگری است :  
تو آن نگرده ای از فعل خیر بامن غیر  
که دست فقر کند امان امید رها  
جز آستانه فضلت که مقصد امام است  
کجا است در همه عالم و شوق <sup>بهاء</sup> اهل  
و در غزلی دیگر از سعدی عارف استاد است :  
غوغای عارفان و تمنای عاشقان  
ترس بهشت نیست که شوق لقای تو <sup>ست</sup>  
قومی هوای نعمت دنیا همی پزند

قومی هوای عقبی ما راهوای توست  
قوت روان شیفتگان التفات تو  
آرام جان زنده دلان مرحبای توست  
گر ما مقصریم تو دریای رحمتی  
جرمی که می‌رود بامید عطای توست  
شاید که در حساب نیاید گناه ما  
آنجا که فضل و رحمت بی منتهای توست  
سعدی ثنای تو نتواند بشرح گفت  
خاموشی از ثنای تو حد ثنای توست

در جای دیگر گفته :

من آن زره ام در هوای تو نیست  
وجود و عدم در حیاتم یکی است  
ز خورشید لطف شعاعی بس  
که جز در شعاعت نبیند کس  
وحشی در شیرین و فرهاد چنین مناجات کرده :  
الهی سینه ای ده آتش افروز  
در آن سینه دلی و آن دل همه سوز  
دلم پر شعله گردان سینه پردود  
زبانم کن بگفتن آتش آلود  
کرامت کن درونی درد پرورد





